

گزارشی از وضعیت زنان کارگر در گیلان

دوشنبه بیست هفتم آبان ۱۳۸۷

آژانس ایران خبر

نیروی کار ارزان



در گیلان هرچقدر که بیکاران از بیکاری رنج می برند، کارگران هم از شرایط سخت کاری ناراضی اند. از این رو شاید بین بیکاری و کار فرق چندانی نباشد. در ایامی که کار فرمایان به بهترین وجه از وضعیت افزایش متقاضی کار و کمبود فرصت های شغلی سوء استفاده می کنند و عدم بر خورد با این رویه غلط، پس از سه دهه از انقلاب مویده همسوی بودن دیدگاه حاکمیت با عمل خلاف قانون و اخلاق کارفرمایان است.

آنهم درشرایطی که قوانین موجود آنقدر راههای گریز برای کارفرمایان باقی گذاشته که هرطور می خواهند با کارگران رفتار کنند و قانون کار هم شاید تعبیری بیش از "کاغذ پاره" برای دولت فعلی ندارد!

اما قضیه وقتی بغرنج تر و دردآورتر میشود که بدانیم طیفی از این کارگران زنان هستند و علاوه بر انجام وظایف و مسوولیت های خانه داری، در بسیاری از همین کارخانجات، بازارها، فروشگاهها، بخش کشاورزی و...

پا به پای مردان کار می کنند تا از حاصل دسترنج خویش روزگار بگذرانند و چرخ زندگی شان بچرخد. اما شرایط کار آن قدر سخت است که کارگران زن همانند کارگران مرد حتی گاهی یادشان می رود که قبیل از کارگر بودن انسان هستند. و چه سالهایی را با همین وضعیت سخت گذرانند و چه دولت ها آمدند و وعده ها دادند اما نکردند آنچه که باید.

نه دولتی که قصد تقویت تشکل های کارگری را داشت توانست از این مهم برآید و نه رئیس جمهوری که برای دل خوش کردن کارگران با لباس یقه آبی کارگری در جمع کارگران حاضر شد و وعده های بسیار با این لباس مقدس داد ... روز گذشته خبرنگار آژانس ایران خبر با جمعی از کارگران زن گیلان، که بخش کوچکی از جامعه زنان کارگر ایران هستند، گفت و گو کرد: حضورشان را می شود همه جا دید. حین کشت و کار برنج، در مغازه ها، شرکت های تولیدی و صنعتی، مراکز خصوصی، در بازارهای سنتی و بین همهمه ی افرادی که کمتر به آنان توجه می کنند .

خانم پور حسینی کارگر یکی از واحدهای تولیدی گیلان است. حین صحبت با خبرنگار آژانس ایران خبر مدام از درد استخوان ناله می کند و آن را محصول سال ها کار می داند. راجع به شرایط کاری اش به ما گفت: الان وضعیت هم برای مردان و هم زنان سخت است. اما خب برای زنان بیشتر. چون کارفرماها زنان را به چشم نیروی کار ارزان نگاه می کنند و به همین خاطر بیشتر آنان تمایل به جذب زنان کارگر دارند. چون راحت می توانند هر طور بخواهند

با آنان رفتار کنند. زیرا جامعه‌ی ما مردسالار است !.

وی ادامه داد: چند سال است که در این واحد تولیدی کار می‌کنم. اما از روزی که آدمم این جا یک برگه‌ی سفید را دادند به ما که آن را امضا کنیم. بعد از آن هر چه دلشان خواست در برگه‌ی قرارداد نوشتند. اعتراض هم کنیم می‌گویند: "اخراج" یعنی حق‌ی برای اعتراض نداریم و باید با وضع موجود بسوزیم و بسازیم !

او اضافه کرد: حقوق ما را به طور دستی می‌پردازند و به حسابمان واریز نمی‌کنند تا مبادا اداره‌ی کار از میزان حقوق ما باخبر شود. به خانه کارگر که مراجعه می‌کنیم می‌گویند که این کار خلاف قانون است و باید اولاً حداقل حقوق مان ۲۱۹ هزار تومان باشد و ثانیاً به حساب ما واریز شود اما کارفرمایان این کار را نمی‌کنند و در نتیجه هم ما نمی‌توانیم اعتراض کنیم و هم اداره‌ی کار نمی‌تواند از لحاظ قانونی کاری کند. هر چند همه این مسایل را می‌دانند و تصور ما این است که دستشان با کارفرمایان در یک کاسه است .

خانم دیگری که در یک مغازه کار می‌کند به آژانس ایران خبر می‌گوید: ناچارم با شرایط موجود بسازم. اینجا بیشتر از ۶۰ هزار تومان نمی‌گیرم و برای نشنیدن سرزنش خانواده پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه در اینجا کار می‌کنم. منتها هنوز هم دنبال کار بهتر می‌گردم. البته نه کار دولتی و با حقوق ثابت. چون کار دولتی پیدا کردن تقریباً محال است و هر بار شرایط استخدام که پیش می‌آید مدیران دولتی اقوام و نزدیکان خود را با هر شرایطی، حتی کم سوادى بر سر کار می‌برند و درج آگهی‌های استخدامی فرمالیته است .

سیما که ۲۵ ساله و دارای مدرک لیسانس است، توضیح داد: چند سالی است که این جا هستم و دنبال کار بهتر اما هر بار بی‌فایده بوده است. خب من جوان هستم و برای تامین بخشی از نیازهایم ناچار به کار هستم و نمی‌توانم همیشه از پدر و مادر بی‌بضاعتم انتظار و تقاضای مالی داشته باشم. مشکلاتم را که به صاحب کارم می‌گویم می‌گوید شما بروید هر جا شرایط بهتر از این جا بود، بیایید حقوق تان را زیاد می‌کنم. اما متأسفانه شرایط در همه جا تقریباً یکسان است.

مهناز ر: که چند سالی است در یک شرکت کار می‌کند هم گفت: حقوق ماهانه ناچیز خود را به زحمت دریافت می‌کنیم. با کلی تاخیر و امروز و فردا. از عیدی و سایر مزایا هم که محرومیم و کارفرمایان برای کارگر جماعت ارزشی قابل نیستند. در حالی که این رسم مسلمانی نیست و همه‌ی این مشکلات در کشوری است که ادعای عدل امامان معصوم را دارند. اما خبر ندارند من کارگر با این حقوق ناچیز و یک شوهر مریض در خانه و یک فرزند دانشجو و دو محصل با مخارج کرایه خانه و تحصیل و دارو درمان و... چه طور باید سر کنم؟ مسوولی که فقط در حرف صحبت از عدالت می‌کند و شب هم با خیال راحت سر بر بالش می‌گذارد خبر از سفره‌های خالی ما رنج و بیماری کودکان ما دارد؟

او ادامه داد: حتی با این هم کار مزایای بازنشستگی نداریم و تعداد زیادی از کارگران همین شرکت که بازنشسته شده‌اند به حق و حقوق خود نرسیده‌اند .

در همین رابطه سری هم به بازار رشت زدیم. در بازار سنتی کم نیستند زنانی که به دستفروشی و فروش محصولات باغی خود می‌پردازند. با یکی از این زنان کمی صحبت کردیم .

حمیده ج: خود را کارگر سابق یکی از واحدهای تعطیل شده‌ی گیلان معرفی می‌کند. وی در این رابطه توضیح داد: در شرکت الکتریک کار می‌کردم اما به خاطر مشکلات بسیاری که برای این کارخانه به وجود آمد و همه می‌دانند

من هم به همراه تعدادی از کارگران از کار بیکار شدم و مانند همه ی آن ها با وجود سابقه ی کار زیاد، هیچ حق و حقوقی دریافت نکردم. در رشت زندگی می کردم اما شرایط سخت زندگی روز به روز عرصه را بر من تنگ کرد. شوهرم که سالهاست فوت کرده و من و چند بچه ام از همه مخارج مان تا جایی که می توانستیم زدیم. حتی یکی از فرزندان پس از گرفتن دیپلم از ادامه ی تحصیل دانشگاهی به دلیل مخارجش باز ماند. به همه ی نهادهای مثلا حمایتی هم مراجعه کردیم. اما هر بار یک چیزی به اندازه ی صدقه به ما می دادند که تنها برای دل خوشی و جواب رد ندادن به ما بود. خلاصه آنقدر عرصه بر من تنگ شد که مجبور شدم قید زندگی در رشت و پرداخت ماهانه کرایه خانه را بزنم و به روستای خودمان در حوالی رشت رفته و در منزل قدیمی پدرم زندگی کنم .

او ادامه داد: تنها کاری که می توانستم آن جا انجام دهم صیفی کاری و کاشتن سبزی و پرورش تعدادی درخت میوه بود. الان هر روز محصولاتی که خودم برای آن ها زحمت کشیده ام به رشت می آورم تا بفروشم و از این راه امرار معاش می کنم. روزهای اول خیلی برایم سخت بود اما الان عادت کرده ام و خدا می رساند و شکم بچه هایم را سیر می کنم. حداقل خوبی اش این است که در کارخانه نیستم که حرف کارفرما را مانند برده ها گوش کنم و در مقابل اضافه کار و کار در سرما و گرما نه عیدی و مزایا بگیرم و نه از حقوق نامناسبی برخوردار باشم .

حمیده در پایان حرف هایش افزود: واقعا می دانم چه کسانی باعث شدند اینگونه به کارگران و خصوصا زنان کارگر ظلم شود و حرمت شان از بین برود اما امیدوارم روزی فرزندان عاملان این مساله خود گرفتار این شرایط سخت کار بشوند تا شاید کمی از غصه های ما را حس کنند.

آژانس ایران خبر

دوشنبه بیست هفتم آبان ۱۳۸۷